



(imageless edition)

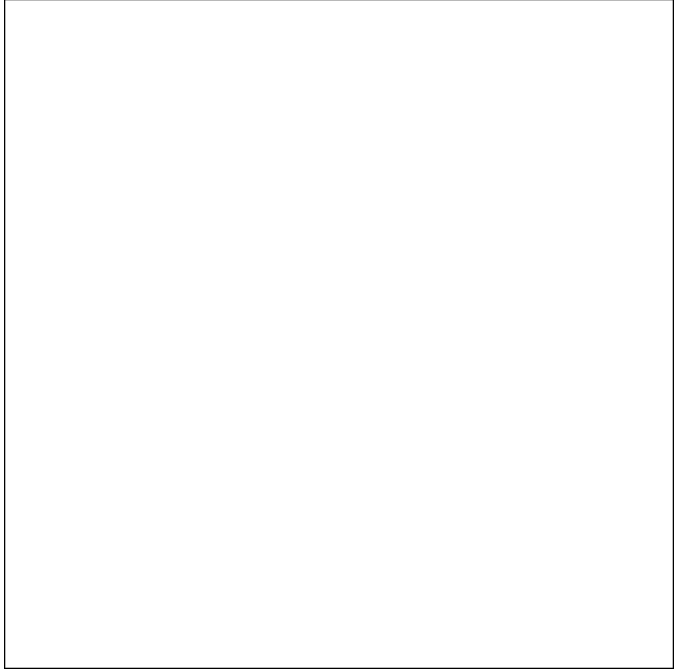
|| Level 2

😊 Persian

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi!

🔒 Carol Liddiment

✍ Basilio Gimo, David Ker



چرا کرگدن مو ندانست



Storybooks Canada

storybookscanada.ca

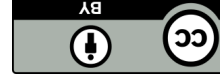
چرا کرگدن مو ندانست

Written by: Basilio Gimo, David Ker

Illustrated by: Carol Liddiment

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi!

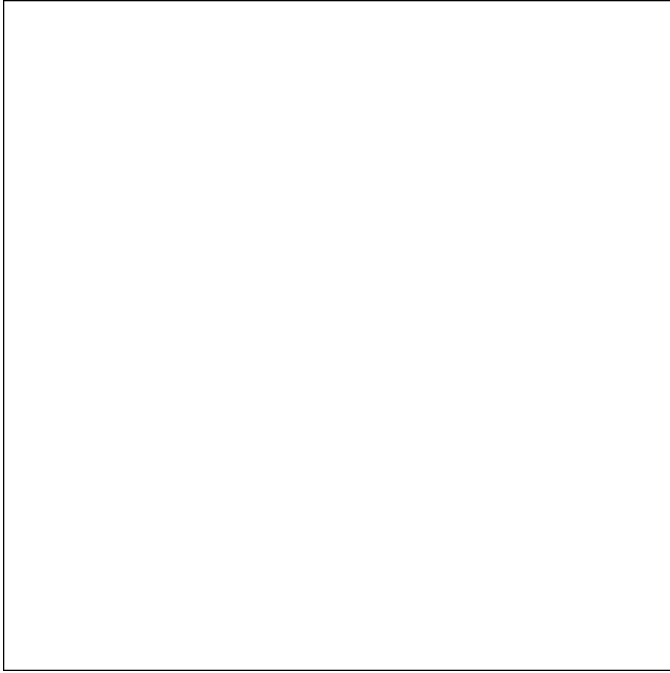
This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)

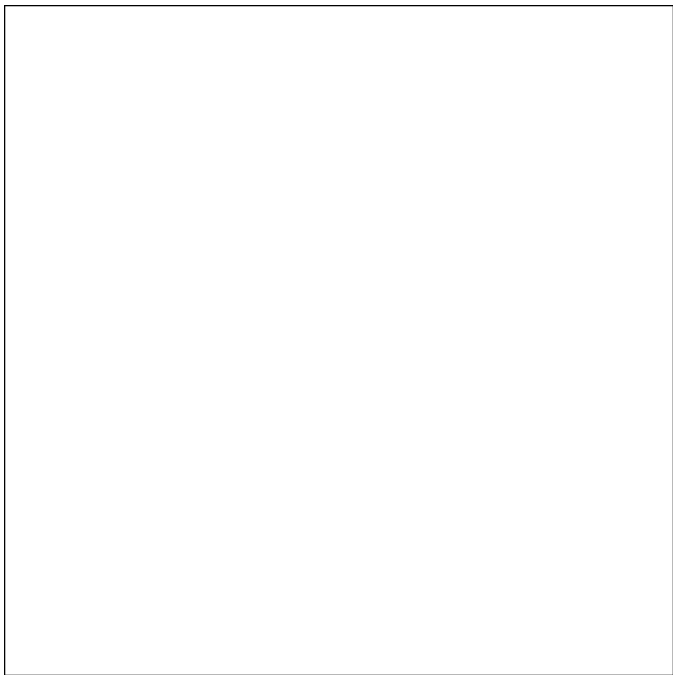
<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>

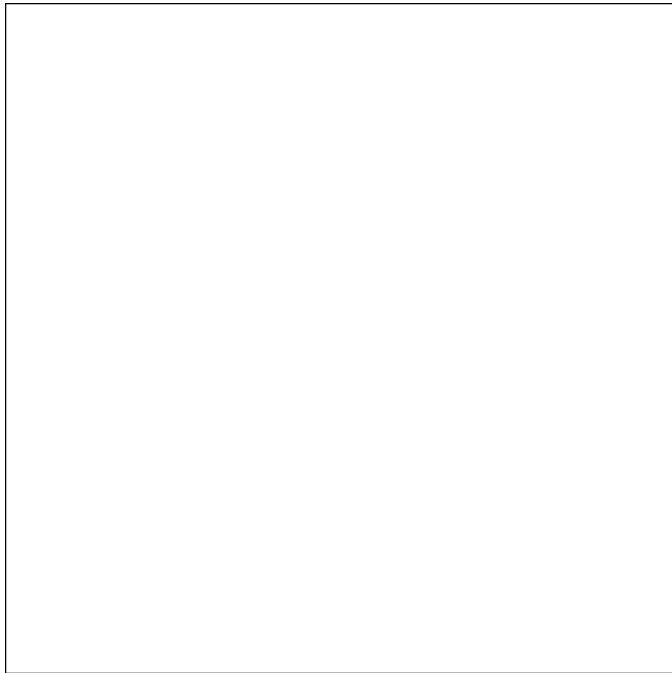


پیک روز، خَرگوش داشت کِنارِ رودخانه راه می رَفت.

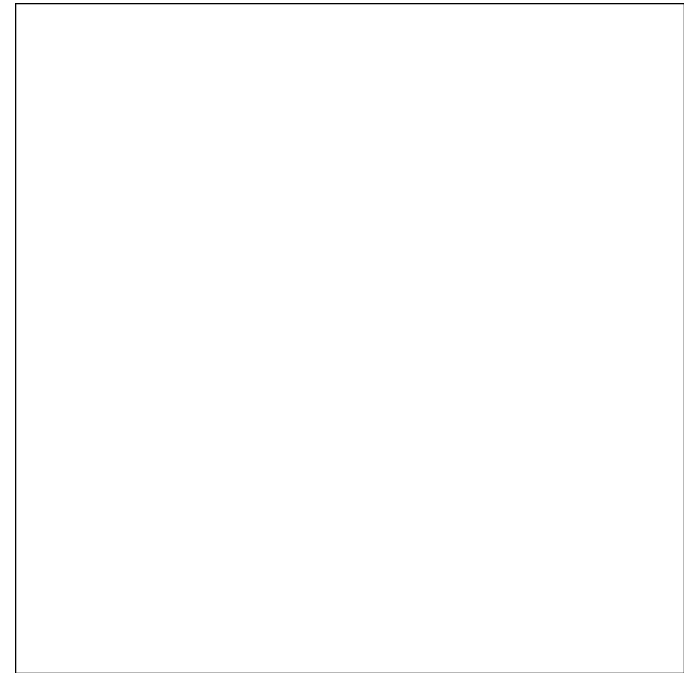
سینر دایشتر آنجا بود.

کَرگَدَن هَم بَرای قَدَم زَدَن و جَوَرَدَن مَقْداری عَافِی

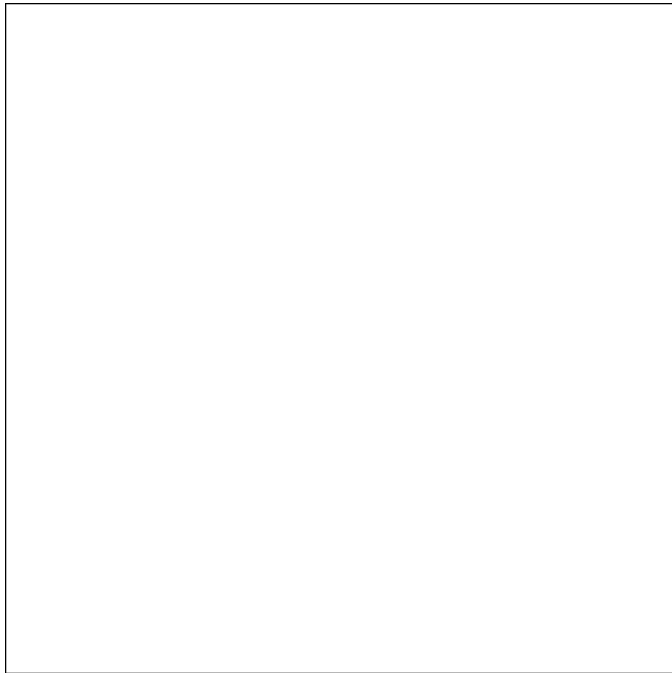




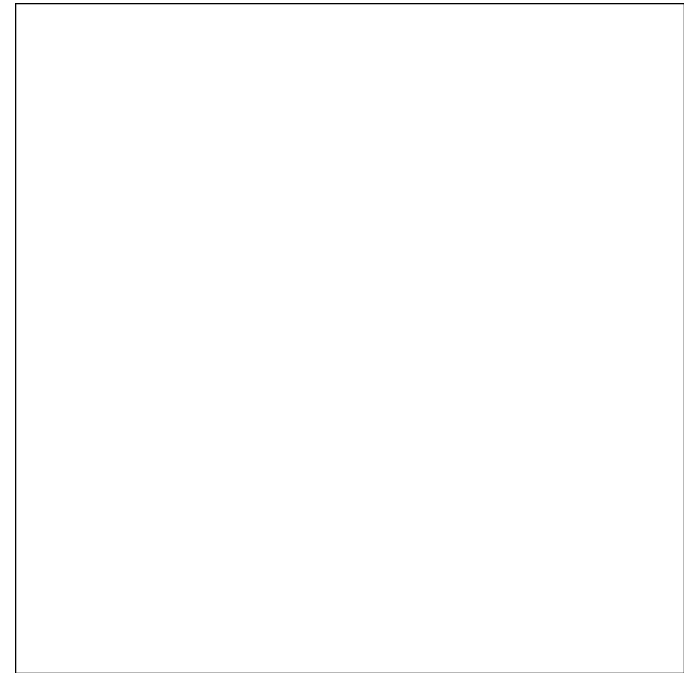
کَرگَدَن خَرگوشی را که آنجا بود نَدید وَ اِتفَاقی روی
پای خَرگوش ایستاد. خَرگوش شروع به جیغ جیغ
کَرَدَن سَرِ کَرگَدَن کَرَد، “هی تو کَرگَدَن! مُتَوَجِه
نیستی که روی پای مَن ایستاده ای؟”



خَرگوش خوشحال بود از اینکه موهای کَرگَدَن
سوخته بود. وَ تا اِمروز به خَاطِرِ تَرس از آتَش،
کَرگَدَن هیچوقت دورتر از آن رودخانه نَرَفْتِه اَسَت.



خَرگوش رَفَت تا آتَش پيدا كُنَد وَگَفَت، “بُرُو، وَقْتِي
كِه كَرگَدَن اَز آب بِيرون اَمَد تا عَلَف بِخوَرَد، او را
بِسوزان. او روي مَن پا گُذاشت!” آتَش پاشِخ داد،
“هِيچ مُشكَلِي نِيست، خَرگوش جان، دوسِتِ مَن،
مَن اَنچِه را كِه تو خواستِي اَنجام مِي دَهَم.”



بَعْداً، كَرگَدَن داشت دور اَز رودخانه عَلَف مِي خورد
كِه ناگهان، آتَش او را فَرَا كَرِفت. آتَش زَبانِه كَشِيد.
شُعَلِه هايِ آتَش شُروع بِه سوزاندَن موهايِ كَرگَدَن
كَرَدَنَد.